



مقام و منزلت اخروی حضرت فاطمه (س) در کلام رسول خدا (ص)

پیامبر اعظم (ص) درباره جایگاه دخت گرامی اش فاطمه زهرا (س) در قیامت می فرمایند هنگامی که دخترم فاطمه وارد محشر می شود...

پیامبر اعظم (ص) درباره جایگاه دخت گرامی اش فاطمه زهرا (س) در قیامت می فرمایند هنگامی که دخترم فاطمه وارد محشر می شود، حله کرامتی بر دوش دارد که به آب زندگانی غسل یافته و مردم در آن حیران می شوند و از حشمت زهرا انگشت حیرت به دندان می گزند. به گزارش خبرگزاری مهر، روایت زیادی از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) درباره دختر بزرگوارشان وجود دارد که برخی از آنها ذکر می شود.

- همانا نخستین کسی که در بهشت بر من وارد می شود، دخترم فاطمه است. (1)

- در آن روز قیامت هیچ کس سواره نیست جز چهارتن من، علی و فاطمه و صالح پیامبر خدا، اما من بر براق سوام و اما دخترم فاطمه بر غصبا، ناقه من، سوار است و اما صالح بر اشتر خدا که پی اش کردند، سوار است و اما علی بر اشتری از اشتران بهشت سوار است که مهار آن از یاقوت و دو زیور سبز رنگ بر آن آویزان است. (2)

روز قیامت دختر من فاطمه برشتی از شترهای بهشت می نشیند که در طرف آن مزین به دیباج و مهار آن از مروارید تازه و با طراوت است. پاهایش از زمرد سبز، دنباله او از مشک خوشبو، چشمهای او از یاقوت حمرا و هودجی از نوربر بالای او نصب است که ظاهرش از باطنش نمودار است. درون آن از عفو و مغفرت آکنده شده و بیرون آن پوشیده از رحمت پروردگار است. بر فراز آن تاجی است از نور و آن تاج را هفتاد رکن است و هر رکنی به مروارید غلطان و یاقوت درخشان مرصع گردیده که نور بخش و پرتو نشان است و چون ستاره روشن در آسمان می تابد.

هفتاد هزار فرشته در طرف راست و هفتاد هزار فرشته در طرف چپ او را همراهی می کنند و در حالی که جبرئیل مهار شتر را گرفته با صدایی بلند ندا در می دهد: ای مردم دیدگان خود را ببندید تا فاطمه دختر محمد عبور کند. موقع عبور فاطمه هیچ پیغمبر، رسول، صدیق و شهیدی نیست جز آنکه دیدگان خود را ببندد تا فاطمه بگذرد.

فاطمه تا قائمه عرش می رسد و از شتر نور به زیر می آید و عرض می کند: پروردگارا میان من و کسانی که به من ظلم و ستم کردند تو حاکم باش. بارالها بین من و بین کسانی که فرزند مرا کشتند، حکم کن. آن گاه از مصدر جلال خطاب می شود: ای حبیب من و ای دختر حبیب من آنچه بخوای درخواست کن تا به تو اعطا شود. تو شفیعه محشری و به عزت و جلال خودم سوگند از هیچ ظالمی نمی گذرم و از هر ستمکاری انتقام می گیرم.

صدیقه طاهره عرض می کند: پروردگارا اندوه من از ستمی است که بداندیشان و ستمکاران نسبت به من، اولادم، شیعیان، ذراری و دوستان آنها روا داشته اند.

از جانب خداوند خطاب می شود: کجایید ای فرزندان فاطمه، شیعیان و دوستان ذراری او!

آنها همه حاضر و در گوشه ای در احاطه فرشتگان در می آیند. آنگاه فاطمه زهرا آنها را با خود به بهشت می برد. (3)

- هنگامی که خدای بلند مرتبه مردمان گذشته و آینده را در عرصه محشر برانگیزد، منادی پروردگارا از زیر عرش خود ندا می دهد که: ای گروه مردمان چشمانتان را فرو بندید تا فاطمه دخت محمد، سرور زنان دو عالم از پل صراط بگذرد.

همه مردمان چشمانشان را فرو می بندند و فاطمه از پل صراط می گذرد. کسی که در قیامت نمی ماند مگر آنکه چشمش را فرو می بندد به جز محمد، علی، حسن و حسین فرزندان پاکشان که فرزندان او هستند.

چون فاطمه وارد بهشت شد، جامه خود را بر صراط می گستراند. گوشه ای از آن در دستش در بهشت است و گوشه ای در عرصه قیامت. منادی پروردگار ما ندا می دهد: ای دوستداران فاطمه به رشته های جامه فاطمه، سیده زنان عالم چنگ زنید. پس، هیچ يك از

دوستداران فاطمه نمي ماند مگر آنکه به رشته اي از رشته هاي جامه حضرتش چنگ مي زند تا اينکه بيش از هزاران فئام به آن در مي آويزند.

پرسيدند: هرفئام چند نفر است؟ فرمود: هزار هزار که از آتش دوزخ مي رهند. (4)

- منادي از درون عرش ندا مي کند: اي اهل محشر دييدگانتان را فرو افکنيد زيرا اينکه فاطمه، دختر محمد فرستاده خدا، مي خواهد از پل صراط بگذرد. (5)

پس فاطمه و شيعيانش چون برق جهنده از پل صراط عبور مي کنند و دشمنان او و دشمنان فرزندان او در جهنم افکنده مي شوند.

هنگامي که دخترم فاطمه وارد محشر مي شود، حله کرامتي بر دوش دارد که به آب زندگاني غسل يافته و مردم در آن حيران مي شوند و از حشمت زهرا انگشت حيرت به دندان مي گزند. آن گاه از حلل بهشت هزار حله در بر مي کند.

و بر هر حله اي به خط سبز نوشته است که دختر محمد را وارد بهشت کنيد. او به بهترين شکل، نيکوترين کرامت و زيبا ترين منظره اي مي خرامد تا به سوي بهشت مي رود. او مانند عروسي است که هفتاد هزار کنيز در خدمت او باشند. (6)

- اي علي تو در روز قيامت ،مردان مومن و فاطمه زنان مومن را به بهشت راهنمايي مي کنيد. (7)

1- بحارالانوار، ج 43، ص 44

2- خصال، ج 1، ص 204

3- امالي صدوق، م 4، ص 25

4- بحارالانوار، ج 8، ص 68

5- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 260

6- عيون اخبار الرضا

7- بحارالانوار، ج 43، ص 24